



آن دو شیر!



رابطه تبریز با ایران

روزبیز ملک مرزبان

ایسن یمه جغت شیر را که می‌بینم یاد خاطرهای از روزهای اول کارم در تلویزیون ملی ایران می‌افتم، قرار بود هر کدام از بچه‌های فنی به یکی از مراکز شهردستان‌ها منتقل شوند قرعه مرکز اصفهان به نام من افتاد، بلیت هواپیما و خرج سفر را همراه حکم انتقال درون یک پاکت به دستم داندند و گفتند فردا خودت را به آقای فلاح رییس مرکز اصفهان معرفی کن، فردا صبح سوار هواپیما شدم و رفتم اصفهان سرآق آقای فلاح و حکم مأموریتم را دادم خدمتشان، ایشان گفتند که تا یک هفته دیگر مأموریتشان در اصفهان تمام می‌شود و برای ادامه تحصیل باید به تهران برگردند این آقای فلاح همان مهندس فلاح معیول فنی صلدوسیما بعد از انقلاب بودند، گفتم محمود جان من باید چه کار کنم، اصلا این رادیو تلویزیون اصفهان کجاست؟ گفت منوز ساخته نشده‌افلا یک فرستنده ۱۰ واتی برنام‌های تهران را هرشب از ساعت ۶ تا ۱۲ شب رله می‌کنند و می‌۱۰ کیلومتری خارج شهر قرار دارد این هم سونچینگ ژبان سازمان که هرشب باید با آن به محل کارت بروی، خودتی و خودت تتهای تنها! گفتم اولاکه من گواهینامه راندگی ندارم، دوما از فرستنده سر در نمی‌آورم، گفت: در عرض ایسن یک هفته هم راندگی یادت میدم هم تا حدودی با طرز کار فرستنده آشناست می‌کنم، تنها چیزی که نظرم را جلب کرد آن ژبان بود با آن آرم دوشیر در دو طرف در جلو.

مهندس فلاح بعداز یک هفته سروکله زدن با من مأموریتش دراصفهان تمام و عازم تهران شسدم، من ملدم و یک ژبان بدون گواهینلمه و فرستنده‌ای که در خرج از شهر که هر شب باید روشن می‌کردم، یک روز داشتم روزنامه محلی آنجا را می‌خواندم، دیدم نوشته جناب سرهنگم. رییس راهنمایی و راندگی اصفهان شد و از فردا کارشان را شروع می‌کنند، نقشهای به فکرم رسید و فوراً آن را عملی کردم، یک سید گل بزرگ سفارش دادم و یک کارت زیبا که رویشان نوشتم، تلویزیون مرکز اصفهان ملک‌مرزبان را یکی از دوستان هم خواش کردم که نقش راننده من را بازی کند و رفقیم به طرف محل راهنمایی و راندگی که کمی خارج شهر بود، فرد دفتر رییس شدیم به اتفاق دوستم که سید بزرگ گل را حمل می‌کرد منم سرهنگ که خلم ستوان جوائی بود، گفت: بفرماید، گفتم: از طرف تلویزیون اصفهان آمدم، گفت: لطفا چند لحظه صبر کنید، وارد اتاق رییس شد و پارا محکم کوبید به هم و گفت: قربان از تلویزیون برای مصاحبه آمدند سرهنگ دستیچاچه شد و گفت راهنمایی کنید من بر خلاف همیشه لبلنس شیک و مرتبی پوشیده‌بودم، بر عکس دوستم که مخصوصالبلنس سادمتری به تن داشت، وارداتاق سرهنگ شدیم، سلام کردم و دستیی به گرمی دادم و به رانندمام اشاره کردم سید گل را بگذار و در ماشین منتظر باش، ضمنا ماشین را هم طوری پارک کرده بودیم که آرم دوشیر از پنجره اتاق سرهنگ کاملا به چشم می‌خورد، ضمن صحبت و تعارفات اولیه گفتم: جناب سرهنگ چه خوب که آمدید اینجا و سر و سلامتی به وضع اداره راهنمایی و راندگی می‌دهید، متاسفله من به علت مشغله زیاد هنوز فرصت نکردم گواهینلمه بگیرم.

هنوز کلامم منعقد نشده بود که زنگ زد مسوول ثبت‌نام وارد اتاق شد و محکم با کوبید، سرهنگ گفت: فورا از جناب مهندس ثبت‌نام کنید و فردا صبح در امتحان این‌لیله بیدم، بعد هم امتحان شهر بهندس سرهنگ ور کرده‌بمن و گفت: امر دیگری نیست، باشمرندگی گفتم برای عرض تبریک خدمت رسیدم، امیدوارم بتولیم همکاری خوبی داشته باشیم، خداحافظی کردم و مدارک را که از قبل آماده بود در اختیار گناشتم و به اتفاق دوستم ردیم بیرون، سرتان را درد نیاروم، فردای آن روز هم ایسن‌نامه قبول شدم هم شهر و هم اینکه گواهینامم‌ها را تا ظاهر همان روز دریافت کردم، حالا هر وقت به آرم دوشیر که به هم پشت کرده‌ام می‌نگرم با خودم می‌گویم که عجب کاربردی داشتند، خدا مرا ببخشند این اولین و آخرین سواستفاده من از این آرم بود.

تذنیف

مر ترضوی را شهردار تهران کنید!

هومن جعفری – یعنی نوشتن طنز امروز اصلا کار آسانی نیست. آدم نمی‌داند در مورد چه چیزی بنویسد که قبلا در موردش نوشته باشدا همه سوزه‌های روز شده حمله موشکی به سوریه، نه کسی در مورد دلار چهارهزار و دوپست تومانی حرفی زده نه کسی در مورد وضعیت بازار طلا صحبتی کرده، نه تلگرام را فیلتر کرده‌اند، نه قاضی مر ترضوی پیدا شده، نه وضعیت شهرداری تهران مشخص شده، نه چیزی رخ داده که آدم نتواند در موردش طنز بنویسد.

حالا که نمی‌توانند سعید مر ترضوی را پیدا کنند، به نظرم بهترین گزینه برای شهرداری تهران همین آدم است. دست‌کم اینکه دفعه بعد دخترهای زیر نه سال خواستند یک حرکت موزونی از خودشان نشان دهند، کسی نمی‌تواند شهردار را پیدا کند و برایش احضاریه بفرستد یا از او بازجویی کند. ضمن اینکه آقای مر ترضوی در مبارزه با فساد هم ظاهرا تجربه کافی دارد. به نظرم بد نیست مسوولان یک تخفیفی یا تعویقی در مورد حکم آقای مر ترضوی قائل شوند و از او بخواهند برنامه‌هایش برای اداره شهر را اعلام کند.

موسیقی

تازه‌های بازار موسیقی

ردپای تو

آلبوم ردپای تو اثری به آهنگسازی مصطفی مومنیان و آواز علی مومنیان است. این اثر شامل ۱۱ قطعه موسیقی کلاسیک ایرانی در فرم‌های ساز و آواز، تکنوازی، تصنیف و چهارمضارب است. اکثر قطعات فضایی آرام دارند. قطعه زرد ملیجه برداشتی از اثر آشنای استاد ابوالحسن صبا بوده و قطعه آخر با نام یا مولا نیز بر اساس ملودی محلی که برای گوش همه ایرانیان آشناست ساخته شده. مرتضی مومنیان، علیرضا دربابی، مهرداد عالمی و مصطفی مومنیان در این آلبوم به نوازندگی پرداخته‌اند.

من همان نام‌ام

آلبوم من همان نام‌ام اثری به آهنگسازی سیامک جهانگیری و آواز مهدی املمی است. این اثر شامل ۱۲ قطعه موسیقی کلاسیک ایرانی است که در همه آنها ساز نی به نوازندگی سیامک جهانگیری نقشی محوری را ایفا می‌کند. نی در این آلبوم پایه‌ی پای آواز حرکت می‌کند و در برخی قطعات بی‌کلام جای کلام را پر کرده و تفکرات آهنگساز را با زبان سوزناک خود بیان می‌دارد. نیل یوسف شیرداری در این آلبوم به نوازندگی بندیر و دف پرداخته است.

شماره ۲۸۱۱ روزنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
صدآه
 ۲۷ فروردین ۱۳۹۷ ۲۹ رجب ۱۴۳۹ ۱۶ آوریل ۲۰۱۷
 عضویتن سوزنی روزنامه‌های غیر دولتی و تعاونی مطبوعات
بیان‌نامه
 این وبسایت متعلق به: www.jahanesan.ir
 http://www.jahanesan.ir

دیکتاتور بزرگ

سر چارلز اسپنسر چاپلین معروف به چارلی چاپلین و چارلی، یکی از مشهورترین بازیگران و کارگردانان و همچنین آهنگساز برجسته هالیوود و برنده جایزه اسکار است.چاپلین خود ادعا می کرد که در سال ۱۸۸۹ در محله‌ای در جنوب لندن متولد شده‌ است یعنی تنها چهار روز پیش از تولد هیتلر که چاپلین وی را در دیکتاتور بزرگ مورد تمسخر قرار داد. اما سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده که در مورد وی تحقیق کرده‌اند تاکنون به مدرک دقیقی مبنی بر مکان و زمان تولد وی دست نیافته‌اند.والدین چاپلین هر دو هنرمندانی در سالن بزرگ لندن بودند و هر دو بازیگر و آوازخوان، اما پیش از آنکه چاپلین سه ساله شود از هم جدا شدند. مشهور است که نام مادر چاپلین هناست. چارلی آواز خواندن را از مادرش آموخت. پدرش الکی شد و کمتر با چارلی ارتباط داشت.چاپلین از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۲ به‌همراه فرد کارنو سراسر آمریکا را دوره و نمایش تئاتر اجرا می‌کرد. چاپلین در زمان همکاری با شرکت کارنو در آمریکا هم اتاقی استثنی لوزل بود. استثنی به انگلیس بازگشت اما چاپلین در آمریکا ماند. در سال ۱۹۱۳ بازی چاپلین مورد توجه یکی از فیلمسازان قرار گرفت و از آن پس با شرکت فیلمسازی کی استون همکاری کرد. وی نخستین فیلم خود را با نام ساختن یک زندگی که فیلم کمدی بود در سال ۱۹۱۴ آغاز کرد. چاپلین در این شرکت و با این فیلم به‌سرعست به شهرت رسید. در سال ۱۹۱۴ با شرکت کی استون چاپلین سه فیلم بازی کرد و به موفقیت‌های چشمگیری رسید.دیکتاتور بزرگ نخستین فیلم کاملا لاطق چاپلین بود که در اوضاع نابسامان جهانی در دهه ۴۰ میلادی، اثری ضدزنانی بود. این فیلم در مورد دیکتاتوری اروپایی و در واقع تاریخچه زندگی آندوید هینکل، دیکتاتور کشور خیالی تالمائیا است که دست به کشتار یهودی‌ها می‌زند و اروپا را درگیر جنگ می‌کند. برخی این فیلم را پسیندیند و برخی جنبه سیاسی آن را جدی و برخی آن را به قدر کافی جدی نگرفتند. با این حال این فیلم از نظر تجاری محبوبیت فراوانی پیدا کرد و چاپلین را همچنان به عنوان یک ستاره در اوج نگه داشت.

سینما

نامه‌کانون کارگردانان سینمای ایران به رییس‌جمهور بر ای برداشتن موانع خروج جعفر پناهی؛

اکران «سه رخ» در کن بدون حضور کارگردان؟



گروه فرهنگ– حوادث سال ۸۸ هنوز قربانی می‌گیرد. به تاریخ، هشت سال از آن سال پر فراز و نشیب گذشته اما هنوز آثراتش در جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیداست. حوادث آن سال‌ها باعث شد عده بسیاری مهاجرت کنند، عده‌ای به زندان بیفتند، سه تن از مدیران کشور در محصر باشند و تعدادی هنرمند نیز ممنوع‌الخروج یا ممنوع‌الکار شوند.

در این بین سهم هنری‌ها کم از سیاسیون نیست. محمدرضا شجریان معروف‌ترین چهره‌ای است که سال ۸۸ و جنجال‌هایش باعث شد تا به امروز نتواند در کشور کنسرتی برگزار کند. دیگر صدایش از صلدوسیما پیش نشد و حتی بیماری‌اش هم نتوانست مدیران و تصمیم‌گیران را برسی بازگرداندن صدای هنرمندی پر آوازه به مردم راضی کند.

در بین هنرمندان، جعفر پناهی نیز هنوز هزینه موضع‌گیری‌هایش در آن سال‌ها را می‌دهد و او سال‌های سال ممنوع‌الکار بود و حکم ممنوع‌الخروجی هم داشت. پناهی امسال در جشنواره کن با فیلم «سه رخ» حضور دارد اما انگر قرار نیست هیچوقت پایش به فرش قرمز مهم‌ترین جشنواره سینمایی جهان برسد.

استعداد از حسن روحانی

زمانی که مشخص شد فیلم پناهی در جشنواره کن پذیرفته شده است، رسانه‌ها و همکاران او به یاد حکم ممنوع‌الخروجی‌اش افتادند. حکمی که اجازه نمی‌دهد او برای مراسم نمایش فیلمش به فرانسه برود. از همین رو سوورای مر کزی کانون کارگردانان

اذان صبح ۵:۵۱	طلوع خورشید ۶:۳۰	اذان ظهر ۱۳:۰۴	غروب خورشید ۱۹:۳۸	اذان مغرب ۱۹:۵۶	تیمه شب شرعی ۱۹:۰۹
اهواز	اردبیل	اصفهان	تهران	تبریز	گرگان
۲۳	۱۸	۶	-۲	۲۰	۷
۱	۷	۱۰	۶	۱۱	۳
۶	۱۰	۶	۶	۱۷	۲۰
۱۰	۶	۱۱	۶	۱۷	۲۰
۱۰	۶	۱۱	۶	۱۷	۲۰
۱۰	۶	۱۱	۶	۱۷	۲۰
۱۰	۶	۱۱	۶	۱۷	۲۰
۱۰	۶	۱۱	۶	۱۷	۲۰
۱۰	۶	۱۱	۶	۱۷	۲۰
۱۰	۶	۱۱	۶	۱۷	۲۰
۱۰	۶	۱۱	۶	۱۷	۲۰
۱۰	۶	۱۱	۶	۱۷	۲۰
۱۰	۶	۱۱	۶	۱۷	۲۰
۱۰	۶	۱۱	۶	۱۷	۲۰

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: محمدرضا سعیدی

قائم مقام مدیر مسوول: محمدرضا عدل

سر دبیر: سعید سلیمی

تلفن ویژه مدیر مسوول: ۸۸۷۶۶۱۱

تلفن تحریریه: ۸۸۷۲۹۱۹۱، ۸۸۷۲۹۱۹۲، ۸۸۷۲۹۱۹۳

تلفن شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

روابط عمومی: ۸۸۷۲۱۳۲۵

تیتورگرافی و چاپ: ایرتچاپ

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۵-۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

نمبر: ۸۸۷۲۱۳۲۱

تلفن شماره تماس: ۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

روابط عمومی: ۸۸۷۲۱۳۲۵

تیتورگرافی و چاپ: ایرتچاپ

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۵-۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

نمبر: ۸۸۷۲۱۳۲۱

تلفن شماره تماس: ۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

روابط عمومی: ۸۸۷۲۱۳۲۵

تیتورگرافی و چاپ: ایرتچاپ

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۵-۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

نمبر: ۸۸۷۲۱۳۲۱

تلفن شماره تماس: ۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

روابط عمومی: ۸۸۷۲۱۳۲۵

تیتورگرافی و چاپ: ایرتچاپ

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۵-۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

نمبر: ۸۸۷۲۱۳۲۱

تلفن شماره تماس: ۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

روابط عمومی: ۸۸۷۲۱۳۲۵

تیتورگرافی و چاپ: ایرتچاپ

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۵-۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

نمبر: ۸۸۷۲۱۳۲۱

تلفن شماره تماس: ۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

روابط عمومی: ۸۸۷۲۱۳۲۵

تیتورگرافی و چاپ: ایرتچاپ

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۵-۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

نمبر: ۸۸۷۲۱۳۲۱

تلفن شماره تماس: ۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

روابط عمومی: ۸۸۷۲۱۳۲۵

تیتورگرافی و چاپ: ایرتچاپ

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۵-۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

نمبر: ۸۸۷۲۱۳۲۱

تلفن شماره تماس: ۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

روابط عمومی: ۸۸۷۲۱۳۲۵

تیتورگرافی و چاپ: ایرتچاپ

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۵-۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

روابط عمومی: ۸۸۷۲۱۳۲۵

تیتورگرافی و چاپ: ایرتچاپ

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۵-۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۸۲۸۸

نمبر: ۸۸۷۲۱۳۲۱

تلفن شماره تماس: ۸۸۵۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهمنی- خیابان دهم غربی

تقویم تاریخ

مرگ «فرانتسیسکو گويا» نقاش معروف اسپانیایی (۱۸۲۸م)



فرانسیسکو خوزه دو گويا لوسین‌تس نقاش شهیر در ۳۰ مارس سال ۱۷۴۶م در دهکده کوچک در شمال اسپانیا به دنیا آمد و دوران کودکی را در همان جا گذراند. او از کودکی به

آموختن نقاشی پرداخت و استعداد فراوانی از خود نشان داد. گويا پس از شکستی که در امتحان نقاشی خورده بود راهی ایتالیا شد و پس از مطالعه آثار بزرگان نقاشی، عمر خود را وقف این هنر کرد. او پس از تهیه و فروش اولین آثارش، دامنه فعالیت خود را گسترده کرد و نقاشی‌های بسیاری کشید. گويا پس از چندی به عنوان نقاش دربراهای سلطنتی انتخاب شد و شهرتی فراوان یافت. فرانسیسکو با آنکه فوق‌العاده صریح و واقع‌گ‌ر بود، طبعی رقیق و حساس داشت و حضور این حساسیت در آثار او، در آثار هیچ یک از نقاشان قبلی وجود نداشته است. گويا، تاثیری عظیم بر نقاشی فرانسه گذاشت به طوری که او را بزرگ‌ترین نقاش قرن هجدهم و پیشرو نقاشان قرن نوزدهم به شمار آورد.اند. همچنين گويا را آخرين استاد متقدم و اولين استاد مدرن نامیده‌اند. ارزش گويا در بين نقاشان تاريخ از اين نظر است که برخلاف ساير نقاشان که هر کدام یک یا چند اثرجلب توجه در بين آثار خود داشته‌اند، او مجموعه‌ای پرقيمت و نابایي به جای گذاشته است که هر یک جداگانه معروفیت جهانی دارند. به علاوه، گويا شاید از نقاشان انگشت‌شماری است که سبک قدیم و جدید نقاشی را خوب می‌دانست. تابلوهای از دوست او، هوس‌ها، معجزه سن آنتوان و تیرباران، در جمله مشهورترین آثار اوست. آثار گویا در بسیاری از گالری‌های اروپایی و آمریکایی و موزه‌های جهان به نمایش گذاشته شده است. فرانسیسکو گویا تا پایان مرگ دست از کار نکشید تا اینکه سرانجام ۱۶ آوریل ۱۸۲۸م در ۸۲ سالگی درگذشت.

جدیه سیاه

مرتضوی را خودش آزاد کرد!

محمدرضا ستوده– روزگار است دیگرم… بالا و پایین دارد. گاهی عبدالمالک رنگی را روی هوا پیدا می‌کنند ولی سعید مرتضوی همین پایین روی زمین پیدا نمی‌شود. به راستی چرا مرتضوی را نمی‌شود پیدا کرد؟

آیا باید به قدرت پیدا کردن دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و قضایی شک کنیم؟ من که غلط می‌کنم شک کنم و همزمان به گور امواتم هم می‌خندم. شما هم هر جور خودتان صلاح می‌دانید. شک مقدمه‌ای است برای رسیدن به یقین. اگر شک کنید یقین نداشته باشید به یقین می‌رسید که نباید شک کنید ولی من از همان اول به یقین می‌رسم و وقت خودم و «بچه‌های مُتّقن» بالا را نمی‌گیرم!

بگذریم… به راستی چرا مرتضوی پیدا نمی‌شود؟

آیا چون او خودش قبلاً مسوول گشتن و پیدا کردن بوده، می‌داند که کجاها را می‌گردند و آنجاها قایم نمی‌شود؟! آیا کسی جرات ندارد مرتضوی را بگیرد چون اگر او را بگیرد بعد مرتضوی او را ول نمی‌کند؟! هر دلیلی که داشته‌باشد الحمدلله که از نعمت آزادی برخوردار است. هر قدر در این مملکت آزادی باشد دل آدم خوش می‌شود. مرتضوی تلاش صدساله مشروطه‌چیان و آزادیخواهان را به ثمر نماند و میوه کوشش آنها را که آزادی باشد چید. بایبید به جای اینکه او را تخریب کنیم و فشار بیاوریم تا دستگیرش کنند، به او تبریک بگوییم که طعم آزادی را چشید و فهمید که آزادی یعنی چی!

سعیدجان… من برای تو و همه مردم آرزوی آزادی می‌کنم و امیدوارم در کنار خانواده‌ات شاد و پیروز و سربلند باشی. به حرف این مردم گوش نده. آنها حسودند. آزاد باش. هر کاری دلت می‌خواهد بکن فقط مراقب آزادی دیگران هم باش.

میراث فرهنگی

دهانه‌های سی و سه پل مسدود می‌شود